

# این که گفتی یعنی چه؟

## پرورش تفکر فلسفی در کودکان

ائلدار محمدزاده صدیق  
عکس: غلامرضا بهرامی



### اشاره

فلسفی برای کودکان، سخنرانی کردند. هم چنین بر حمایت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از پایان نامه‌ها و طرح‌هایی که در ارتباط با کودکان و نوجوانان باشد، تأکید شد. در این نشست، مبانی درسی «آموزش فلسفه به کودکان» پیشنهاد و بر لزوم اهمیت دادن به آن در آموزش‌های رسمی تأکید شد. آنچه در ادامه می‌آید، گزارشی از این نشست تخصصی است.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در یازدهم شهریور سال ۱۳۹۳ نشست با عنوان «طراحی و اعتباربخشی الگوی مطلوب برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره‌ی ابتدایی» برای پرورش تفکر فلسفی در آنان برگزار کرد. در این برنامه خانم دکتر نرگس سجادیه، استاد دانشگاه تهران و آقای دکتر مهدی وارث، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد شیراز و مدرس دوره‌های تفکر

موضوع تعریف می‌شود، طرح‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای آموزش دادن آن برگزار می‌گردد و آثار مختلفی برای تشریح فوت‌وفن‌های اجرای آن به چاپ می‌رسد.» او درباره‌ی این برنامه و حمایت از پایان‌نامه‌هایی با موضوع‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان گفت: «نمای کلی این برنامه نشان می‌دهد که نقطه‌ی تمرکز اساسی این برنامه تفکر و اندیشه‌ورزی کودکان است.»

گفته می‌شود بالغ بر ۱۰۰ کشور جهان این برنامه را به صورت حاشیه‌ای یا محوری در نظام آموزشی و در آموزش کودکان و نوجوانان به کار می‌گیرند. نگاهی نزدیک‌تر به این برنامه، ویژگی‌های دیگر آن را برای ما روشن می‌سازد. به‌طور کلی می‌توان گفت فلسفه برای کودکان بسته‌ای آموزشی است که «لیپمن» در نیمه‌ی قرن حاضر طراحی کرد. او که در دانشگاه فلسفه درس می‌داد، از ضعف دانشجویان در تفکر فلسفی و نیز بی‌انگیزگی حاکم بر آن‌ها به ستوه آمده بود. نتایج تلاش‌هایش در کلاس به وی نشان می‌داد که علاج این دو درد در سنین بالاتر چندان قرین موفقیت نیست. این رویداد منجر به کشف و طراحی ایده‌ای نو شد؛ «فلسفه برای کودکان». در این ایده تلاش شد افراد از کودکی با تفکر و اندیشه‌ورزی آشنا شوند و در هر مسئله آن را تمرین کنند تا به تدریج ساختارها، معیارها و در نهایت منش اندیشه‌ورزی در آن‌ها رسوخ کند. به گفته‌ی دکتر سجادیه، این برنامه پنج هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست آنکه توانمندی اندیشه‌ورزی در کودکان بهبود یابد. در این مسیر، تلاش بر این است که خطاهای موجود در جریان فکر عامه‌ی

کلیدواژه‌ها: فلسفه برای کودکان، اندیشه‌ورزی کودکان، تفکر فلسفی



### تمرکز بر اندیشه‌ورزی کودکان

نرگس سجادیه در این باره گفت: «موضوع فلسفه برای کودکان چند سالی است که نقل محافل علمی و نیز موضوع جذاب مریبان و آموزگاران شده است. به همین دلیل، در طول سال پایان‌نامه‌های زیادی حول این



مردم شناسایی شود. در گام بعدی، این برنامه فرصت‌هایی را برای بازشناسی این خطاها توسط خود کودکان و تمرین صورت‌های صحیح فراهم می‌آورد. هدف دیگر مدنظر مدافعان این برنامه تقویت خلاقیت کودکان است. بسیاری از برنامه‌های سنتی در مدارس با سرکوب خیال‌ورزی‌های

چون مشکل زمان و برنامه را نیز رفع خواهد کرد. علاوه بر این، علاقه‌مندی محوری نسبی در برنامه‌های متنوع کانون می‌تواند انگیزه و علاقه‌مندی کودکان به بحث‌ها را تا اندازه‌ای تعدیل کند.

دکتر سجادیه در پایان برای برطرف کردن برخی چالش‌ها راهکارهایی را پیشنهاد کرد؛ از جمله: «زمینه‌سازی فعالیت‌های گروهی، طرح مباحث مناقشه‌برانگیز، جست‌وجوی پرسش به جای پاسخ، ترجیح پاسخ‌های احتمالی و باز به پاسخ‌های قطعی و بسته، حیرت‌افزایی در کودکان، زمینه‌سازی بحث و گفت‌وگو و توجه به ظرفیت‌های قصه. هم‌چنین در افقی کلان‌تر برای مواجهه‌های منطقی‌تر با این برنامه، ارزیابی‌های نظری بینش‌های پشتیبان این برنامه، سنجش تناسب آن با اقتضائات فرهنگی - اجتماعی جامعه‌ی ما و نیز تلاش برای تشخیص و تدوین قصه‌ی مناسب بحث و گفت‌وگو در این برنامه ضروری است و باعث پیشرفت تفکر فلسفی می‌شود.»

### مبانی برنامه‌ی درسی پیشنهادی برای آموزش فلسفه به کودکان

دکتر مهدی وارث، مدرس دوره‌های تفکر فلسفی برای کودکان نیز در این نشست گفت: «از نظر ما نیز هدف اصلی برنامه‌ی فلسفه برای کودکان همان پرورش کودکان با اندیشه‌ی فیلسوفانه است.» او در بخشی از صحبت‌های خود مبانی برنامه‌ی درسی پیشنهادی برای آن را در سه گروه مبانی فلسفی، مبانی اجتماعی و مبانی روان‌شناختی دانست و توضیح داد: «مبانی فلسفی شامل حل مسئله، آمادگی ذهنی، پیوستگی یادگیری، تجارب یادگیری، کنترل اجتماعی، آزادی یادگیری، هدف‌داری سازمان مواد درسی است. مبانی اجتماعی شامل همکاری، سازگاری اجتماعی، رقابت، قدرت، رهبری، احترام و صمیمیت و روابط غیررسمی می‌باشد و مبانی روان‌شناختی شامل فعالیت، هدفمندی، توجه به رغبت، فهم در یادگیری، وابستگی به گروه، احتیاج به محبت و احتیاج به ابراز وجود است.» دکتر وارث عناصر برنامه‌ی درسی پرورش فلسفه به کودکان را شامل اهداف، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، راهبردهای تدریس، محتوا و ارزش‌یابی عنوان کرد که لازم است در تهیه‌ی هر کدام از این عناصر به مؤلفه‌های مبانی فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی توجه شود. به گفته‌ی دکتر وارث، برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان در شرایطی که مربیان و معلمان ما با این برنامه به درستی آشنا نشده و به مهارت‌ها و تکنیک‌های آموزش تفکر فلسفی به کودکان مجهز نشده باشند، به نتیجه نمی‌رسد. لذا می‌طلبید که دست‌اندرکاران امر و علاقه‌مندان به این حوزه به شکلی اساسی به دنبال تمرکز بر آموزش تفکر فلسفی به مربیان و معلمان باشند تا کودکان و دانش‌آموزان.

بداهه‌ی کودکان و نیز با اصرار بر قالب‌های ویژه‌ی تفکر، به خاموشی خلاقیت کودکان منجر می‌شوند. در هدف سوم، رشد فردی و میان‌فردی بچه‌ها دنبال می‌شود. این رشد از طریق تمرین گفت‌وگوهای دو یا چندنفره از راه بازشناسی و تمرین قواعد گفت‌وگوی صحیح صورت می‌پذیرد. تمرین مواردی چون شنیدن فعال نظر افراد، پرهیز از لجاجت‌های احساسی و پافشاری‌های بی‌مورد بر نظر خویش، شنیدن نظرات دیگر، همراه ساختن ادعاها با استدلال. در هدف چهارم، درک اخلاقی کودکان و کاوشگری اخلاقی آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد. این برنامه تلاش می‌کند با طرح موقعیت‌های واقعی و معماگونه‌ی اخلاقی و نگرستن به مسائل از زاویه‌ی اخلاق و ادب. در هدف پنجم نیز نوعی معنایابی یا معناسازی تجربه‌های کودکان مطرح است. این معناسازی با ربط مؤلفه‌های موجود در پیرامون ما و ساخت تصویرهایی بزرگ از زندگی و رویدادهای آن محقق می‌شود. «دکتر سجادیه برنامه‌ی فلسفه برای کودکان را در بستر قصه‌های چالش‌برانگیز، پایان باز و چندوجهی امکان‌پذیر می‌داند و توضیح می‌دهد: «از نگاه شارب (۲۰۰۶) داستان‌ها در فلسفه برای کودکان سکوی پرش مناسبی برای تحقیق فلسفی‌اند. داستان‌های انتخاب شده باید جذاب باشند و چون آتش‌زنه‌ای در میان بچه‌ها بحث به راه اندازند و بحث‌ها را به پیش برند. مناقشه‌آمیز بودن قصه‌ها و پایان باز آن‌ها مؤلفه‌هایی هستند که بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند.» او درباره‌ی نحوه‌ی پیش‌برد و هدایت کلاس‌ها به منظور این گونه آموزش ادامه داد: «یکی از موارد مورد تأکید در بخش روش، محوریت بخشیدن به بحث و گفت‌وگوهای کلاسی است. آموزگار باید براساس این راهبرد به گفت‌وگوهای کلاس محوریت بخشد و آن را محمل طرح دیدگاه‌ها به‌شمار آورد. تشکیل اجتماع‌های پژوهشی و دنبال کردن موارد بحث و گفت‌وگو در این حلقه‌ها، از باید‌های دیگر این برنامه است. هم‌چنین محوریت بخشیدن به پرسش در فرایند کلاس حرف جدید دیگری است که در مقابل تربیت پاسخ‌مدار سنتی در خور تأمل است.»

### چالش‌های آموزش فلسفه در آموزش و پرورش

دکتر سجادیه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را نمونه‌ای از نظام نیمه‌رسمی به‌شمار آورد که نظام‌مندی منعطفی دارد و می‌تواند منزله از چالش‌هایی باشد که برنامه‌ی فلسفه برای کودکان در نظام رسمی با آن‌ها مواجه است. به عقیده‌ی او، معلمان کانون به نسبت نظام مدرسه اقتدار صوری کمتری دارند و از این رو، می‌توانند ارتباط نزدیک‌تر و هم‌ترازتری با بچه‌ها برقرار کنند. هم‌چنین برنامه‌ی منعطف کانون و نیز اختیاری بودن فعالیت‌های کانون برخی چالش‌های دیگر